

بسم رب الصدیقین

## سوژه‌های فرهنگی آلوده

اعظم طالقانی  
مدیر مسئول

هنگامی که مجوز انتشار ماهنامه فرهنگی-اجتماعی برای «پیام ابراهیم» برای بنده صادر شد عرض کردم مجوز برای بنده به عنوان مدیرعامل یک حزب (جامعه زنان انقلاب اسلامی) صادر شده و حزب هم کارش سیاسی است و تمام فعالیت‌هایش در همین واژه «حزب» نهفته است. چگونه است که این مجله باید در قالب فرهنگی-اجتماعی فعالیت کند؟! پاسخ دادند: «شما فرهنگ‌سازی کنید!!» با توجه به این توصیه ما هم سعی کردیم مطالب «اجتماعی-سیاسی» را فرهنگ‌سازی کنیم زیرا در جامعه ما سیاست با دین، آئین و فرهنگ همه با هم عجین شده‌اند. حال برای نمونه به یکی از سوژه‌ها می‌پردازیم.

دوستی می‌گفت که چند سال است برای اشتغال‌زایی در یکی از روستاهای محروم کشور فعالیت‌های زیادی را داشته تا شاید بتواند جوانان آن منطقه را جذب کار در روستا کند تا مانع این شود که نیروی جوانی آنان صرف اعمال خلاف قانون شود و همچنین از مهاجرت روستاییان به شهرها و انواع و اقسام آسیب‌ها جلوگیری شود و نمونه‌ای باشد برای روستاهای دیگر داخل مناطق کویری. از طرفی ایجاد اشتغال برای آنان مانع این می‌شد که روستاییان به شکار غیرمجاز بپردازند و اکوسیستم منطقه نیز کمتر آسیب ببیند.

با این اهداف به روستاییان آموزش‌های مختلف داده می‌شد و سعی می‌شد تا برایشان شرایط اشتغال فراهم شود. از جمله درخواست زمین برای راه‌اندازی اشتغال و ساخت محلی برای تولید و بهره‌گیری از منابع طبیعی منطقه ارائه شد که حدود هشت سال است اقدام نمودیم. متأسفانه به جهت کندی کارها روستاییان هزینه‌های اضافی متقبل می‌شدند. از رفت و آمد به ادارات با آن فاصله‌های زیاد و خطرات جاده گرفته تا زمان طولانی برای دریافت استعلام‌های مکرر جهت دریافت مجوز. گاهی هم اشکال تراشی‌ها، تغییرات قوانین و غیبت‌های کارکنان و مسئولان مربوطه ادارات به نوعی دیگر کارها را به سوی رکود و یا به عقب می‌انداخت. اما از آن بدتر باج خواهی، تنگ نظری، حسادت و بی‌اهمیت تلقی کردن اصل نیاز توسط تعدادی از کارکنان ادارات بود و از همه مهمتر اختلافات داخل روستا و شورا و دهداری بود که هر چه کمک به روستاییان از جانب دولت ارسال می‌گردید بین خود و طرفدارانشان به خاطر جذب آراء تقسیم می‌کردند. به هر حال آنها هم این رفتار فاسد را یاد گرفته بودند که بقول معروف به گونه‌ای حق مردم را بخورند.

بالاخره دولت تغییر کرد و با تلاش بسیار توانستیم درخواست‌های روستاییان و نیازهای آنان و معضلات طرح و مشکلات موجود را با وزراء مربوطه در میان بگذاریم البته با ارائه اسناد و مدارک به مسئولین بالاخره تا حدی به اجرا نزدیک شد. یکی از مواردی که قبلاً مطرح نبود و به تازگی مطرح شده، عبارت از این است که منابع طبیعی و جهاد کشاورزی، زمینی را که قرار بود به روستاییان بدهند، اکنون برای فعالیت تولیدی به روستائیان اجازه می‌دهند و چون مهمترین مسئله در خصوص مناطق کویری، آب است برای اینکه زمینی برای سوله و تولید آماده شود، تصویب کرده بودند که در زمین چاه حفر شود و از آب چاه استفاده شود. روستائیان با تجربه به اینکه بارها در آن منطقه چاه حفر کردند و با آب شور رو به رو شدند. به همین دلیل با آن مخالفت کردند و آب شور چاه را برای کارگاه خود مناسب ندیدند و هر قدر توضیح داده می‌شد جهاد کشاورزی و اداره کل وزارت نیرو استان فارس موافقت نمی‌کرد، سرانجام با پافشاری و ملاقات با آقای وزیر نیرو، ایشان دستور جدی دادند و قرار شد روستائیان تعهد بدهند خود آب شیرین برای کار تولیدشان تهیه کنند و به مدیرکل استان اعلام گردید که مساعدت لازم انجام شود.

پیگیری مسئله تقریباً دو ماه طول کشید تا یکی از افراد خیر برای پیگیری به اداره مربوطه مراجعه کرد. قبل از آن هر قدر برای کار روستائیان پیگیری می‌کردیم از رئیس دفتر آقای مدیرکل پاسخ مایوس‌کننده می‌شنیدیم. در نهایت توانستیم با آقای مدیرکل تماس بگیریم که ایشان پاسخ دادند من در ماموریت هستم.

این کار مشکلاتی دارد، شما شماره فکس را بدهید تا مشکلات را ارسال کنیم. هر قدر منتظر ماندیم جوابی نیامد. بالاخره دوست خیرخواه دوباره به مسئولین مربوطه مراجعه کرد و به ما اطلاع داد که مسئول این کار برای چند روز در مرخصی است. در هفته آینده باید مراجعه کنیم تا پاسخ کتبی بگیریم. ناگهان بعد از سه چهار ساعت یعنی حدود بعد از ظهر همان روز تلفن به صدا درآمد. آقای که در مرخصی بود پشت خط بود. پس از سلام و احوالپرسی با احترام اظهار داشت که «پاسخ نامه آماده است همین امروز جواب از کمیسیون دریافت کردم و اگر می خواهید همین حالا برای شما ارسال کنم!!» به فاصله چند دقیقه فکس به دست ما رسید. با این مضمون که به هر حال تهیه آب شیرین برای کارگاه مانعی ندارد. بنده مات و مبهوت به جواب نامه نگاه می کردم.

آنچه دوست خیرخواه برای من توضیح داده بود با این عمل در تناقض بود. از او سوال کردیم شما مطلب را طور دیگری نقل کردید اما جریان به گونه دیگر عمل شد، چگونه است که کمیسیون همین امروز که مسئول در مرخصی هفتگی رفته بود تشکیل شده و پاسخ آن فوری و به سرعت آماده شده است؟! گفت حقیقت این است به رئیس دفترشان گفتم فلانی از کسانی است که در پیگیری نامه با وزیر ارتباط دارد و به زودی جریان را به وزیر اطلاع خواهد داد و برایتان خیلی بد می شود. گفتم پس تلفن صمیمانه و انجام کار با این سرعت در مدت یکی دو ساعت مرهون تهدید شما بوده است. دوستم گفت به! فلانی کجایی که عده ای از لایه های درونی ادارات اینگونه کار می کنند و با فرهنگ تهدید یا علقه های عاطفی یا با رشوه، کاری را پیش می برند و متأسفانه جامعه که فاقد نگاه توحیدی و رفتار متعهدانه باشد و حضور خدا و قانونمندی خلقت را در همه شئون اجتماعی فراموش کند به چنین مصیبت هایی مبتلا خواهد شود. او اظهار داشت ما سالهاست از این گونه سوژه ها رنج می بریم واقعاً در جامعه ما «جای خدا خالی است». عده ای با توجیهات مذهبی و ضرورت های اجتماعی که به نظر خودشان صحیح است، یک فرهنگ فاسدی را نهادینه کرده اند و آن را به صورت یک فرهنگ ارتجاعی جا انداختند. در این صورت جاهلیت در این نوع جامعه حاکم شده و خطر بزرگتر آنکه طبق سنن غالب در آفرینش چنین جامعه ای نیاز به جایگزین دارد و جایگزین وارث این مردم خواهد بود، همین است که سنن الهی برخواست انسان ها غلبه دارد.